

مراقب «عکس یادگاری با هوش مصنوعی» باشید

سرطان مبتلاست در این خصوص قرار قانونی صادر شده و تحقیقات ادامه دارد.

جعل نام پزشک معروف

در پرونده‌ای دیگر، زنی جوان که همانا یکی از پزشکان متخصص زیبایی است، از این فرصت استفاده کرد و خودش را جراح زیبایی جازد. تحقیقات در این باره با شکایت زنی در دادسرای جرائم پزشکی تهران آغاز شد. این زن به بازپرس پرونده گفت: چند روز قبل تصمیم گرفتم عمل جراحی انجام دهم. با جست‌وجو در اینستاگرام، پیج یک پزشک زیبایی را پیدا کردم که ظاهرا معروف بود. به مطب زنگ زدم و وقت مشاوره گرفتم. مطب خانم دکتر در برچی در غرب تهران بود. وقتی به آنجا رفتم، برای انجام جراحی وقت داد و در روز تعیین‌شده راهی آنجا شدم. اما پس از انجام جراحی به‌مرور متوجه شدم که جای بخیه‌ها تبدیل به تورفتگی‌های عمیقی شده است. پس از آن تصمیم گرفتم نزد پزشک دیگری بروم که او با دیدن وضعیت من گفت کاری نمی‌تواند انجام دهد، چون جراحی به‌صورت غیرحرفه‌ای انجام شده و آثارش تا آخر عمر باقی خواهد ماند؛ در این شرایط بود که تصمیم به شکایت گرفتم. پس از این شکایت، تحقیقات آغاز شد که بررسی‌های اولیه نشان داد پزشک مورد نظر نه‌تنها جراح نیست، بلکه ليسانس علوم سیاسی دارد و مجرمی سابقه‌دار است. او بارها به جرم مداخله در امور پزشکی دستگیر و زندانی شده بود. متهم حدود یک‌سال ونیم قبل از زندان آزاد شده و با توجه به شباهت اسم و فامیلش با پزشکی معروف، خود را جراح زیبایی جامی‌زد. وقتی ماموران قصد دستگیری او را داشتند، وی مقاومت کرد و مدعی شد همسر یکی از مقامات است اما بعد از دستگیری مشخص شد دچار اختلالات روحی و روانی است و هیچ نسبتی با مقامات ندارد. پزشک قلابی، با اجازه یک واحد آیرتمان در یک برج مسکونی واقع در غرب تهران، یکی از اتاق‌ها را شبیه یک اتاق عمل درست کرده بود. اما نکته عجیب این بود که تنها یک چراغ مطالعه بالای سر تخت جراحی قرار داده بود و زیر همان نور کم، عمل انجام می‌داد.

پلیس فتا نسبت به گسترش بدافزاری با عنوان «عکس یادگاری با هوش مصنوعی» در پیام‌رسان‌ها هشدار داد. این فایل‌ها در ظاهر ابزار سرگرم‌کننده‌ای برای ساخت تصویر با هوش مصنوعی به‌نظر می‌رسند، اما در واقع بدافزارهایی بانکی هستند که اطلاعات حساب کاربران را سرقت می‌کنند. در روزهای اخیر، موج جدیدی از کلابرداری‌های سایبری با عنوان عکس یادگاری با هوش مصنوعی در شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها به‌راه افتاده است.

دادسرای ویژه جرائم پزشکی ازجمله دادسراهای تخصصی است که به‌طور خاص به جرائم پزشکان و کادر درمان رسیدگی می‌کند. این دادسرا در تهران، این روزها محل تردد بیمارانی شده که با فریب فضای مجازی، زیبایی خود را در بازار پزشک‌نماها به حراج گذاشته‌اند. به‌همین‌خاطر سراغ قاضی مهدی مناهی، بازپرس شعبه دوم دادسرای جرائم پزشکی تهران رفتیم که با تشریح روند رسیدگی به پرونده‌های جرائم پزشکی هشدارهای مهمی هم به مردم داد.

ل[۱] در دادسرای جرائم پزشکی به چه پرونده‌هایی رسیدگی می‌شود؟

جرائم پزشکی شامل موارد متعددی می‌شود. یک موضوع قصور پزشکی است که شکایت از پزشک بابت آسیب واردشده به بیمار یا فوت اوست. موضوع دیگر مداخله در امور پزشکی است؛ یعنی کسانی که پزشک نیستند، اما در روند درمان دخالت می‌کنند.

تبلیغات غیرمجاز پزشکی که در فضای مجازی به‌وفور وجود دارد هم ازجمله جرائم پزشکی است.

موضوع غذاهای آلوده و عدم رعایت بهداشت در رستوران، مطب و کلینیک هم درشمول این جرائم قرار می‌گیرد. تمامی جرائمی که در حوزه پزشکی، درمانی و بهداشت وجود دارد در صورت ثبت شکایت در دادسرای جرائم پزشکی رسیدگی می‌شود.

ل[۲] کسانی که قربانی شده‌اند چطور می‌توانند شکایت کنند؟

یکی از راه‌های ثبت شکایت در حوزه‌های مذکور مراجعه به دفاتر خدمات قضایی است. برخی هویت کسی که مرتکب جرم شده رانمی‌دانند که در این صورت می‌توانند در برگه شکایت اولیه هویت او را ناشناس بنویسند. بعد از ثبت شکایت اگر در تهران باشد پرونده به دادسرای جرائم پزشکی و اگر در شهر دیگری بود به دادسرای عمومی و انقلاب آن محل ارجاع می‌شود. با دعوت از شاکی اظهارات و مدارک و مستند او ثبت می‌شود و باتوجه به انواع جرائم که بیش‌تر به آن اشاره کردم رسیدگی به هرکدام متفاوت است. نحوه دیگر ثبت شکایت در مواردی مانند عدم رعایت بهداشت در مطب، رستوران یا واحدهای تولید مواد غذایی، غیبت پزشک در کلینیک یا فعالیت افراد غیرپزشک به‌جای متخصص، تماس با سامانه ۱۹۰ است. بعد از ثبت شکایت، بازرسان معاونت بهداشت وزارت بهداشت برای رسیدگی در محل حاضر می‌شوند.

البته بازرسی‌ها در حوزه مداخله پزشکی با عرضه مواد غذایی غیربهداشتی هم متفاوت است. براساس بازرسی و نوع تخلف، پرونده به دادسرای جرائم پزشکی یا سازمان تعزیرات ارسال و روند رسیدگی آغاز می‌شود.

ل[۳] روند رسیدگی درخصوص شکایت قصور پزشکی به چه صورت است؟

اگر موضوع شکایت، قصور پزشکی باشد، پس از ثبت، پرونده برای بررسی به کمیسیون پزشکی قانونی ارجاع می‌شود. درصورتی‌که این کمیسیون قصور را تأیید و میزان دیه را تعیین کند، به پزشک تفهیم اتهام شده و پرونده برای جلب دادرسی و صدور کیفرخواست به دادگاه می‌رود. ذکر این نکته ضروری است که نظریه کمیسیون پزشکی قانونی قابل اعتراض است که در این صورت پرونده به کمیسיוنی بالاتر ارجاع خواهد شد.

ل[۴] درخصوص دیگر موارد چطور؟

کارشناسان پلیس فتا اعلام کردند که مجرمان سایبری با سوءاستفاده از محبوبیت فناوری هوش مصنوعی، بدافزارهایی را منتشر کرده‌اند که پس از نصب روی گوشی کاربران، اطلاعات بانکی آنها را سرقت می‌کنند. این اقدام باعث برداشت غیرمجاز از حساب‌های بانکی و دسترسی غیرمجاز به داده‌های شخصی قربانیان شده است. سرهنگ جواد مختار رضایی، معاون فرهنگی و اجتماعی پلیس فتای فراجا، با هشدار جدی به کاربران فضای مجازی گفت: «در

مراقب کوروش کمپانی‌های حوزه پزشکی باشید



نشانند چیست؟

مردم نباید برای انجام جراحی‌ها، به‌ویژه جراحی‌های زیبایی، به تبلیغات فضای مجازی و تصاویر «قبل و بعد» عمل جراحی اعتماد کنند؛ چراکه اغلب آنها با استفاده از نرم‌افزارهای تغییردهنده، دستکاری شده‌اند.

فضای مجازی جای انتخاب پزشک نیست، اگر پزشکی کارش خوب باشد، اصلا فرصت تولیدمحتوا در فضای مجازی ندارد. کسانی که در فضای مجازی تولیدمحتوا می‌کنند یا پزشک‌نما هستند یا پزشک‌گانی هستند که در فضای واقعی کارشان خوب نیست و به اندازه‌کافی بیمار ندارند؛ از این رو با تبلیغات فریبنده به دنبال جلب بیمار می‌گردند.

توصیه دیگر، دقت در نام صفحات است. برخی از آنها مشخص نیست متعلق به کدام پزشک است؛ نام‌های کلی معمولاً به پزشک‌نماها برمی‌گردد. پزشکان واقعی صفحات خود را با نام و درج شماره نظام‌پزشکی می‌سازند.

باید حتما شماره نظام‌پزشکی را در سایت سازمان نظام پزشکی بررسی کنید و اسم و عکس پزشک را در سایت ببینید. اگر پس از واردکردن شماره نظام‌پزشکی اسم با عکس دیگری آمد بدانید آن فرد مداخله‌گر در امر درمان است. موضوع مهمی که متأسفانه رواج یافته، بهره‌گیری از سلبریتی‌ها برای تبلیغات کلینیک‌های غیرمجاز است. بازیگری را می‌آورند تا برای یک صفحه تبلیغ کند. این‌ها همگی تبلیغات غیرمجاز است. مردم بدانند اگر کلینیک یا مؤسسه‌ای واقعا خوب باشد، با کیفیت خدماتش بیمار و زیاجو جذب می‌کند. یک بازیگر، خواننده یا گاه ورزشکار، از پنج دقیقه صحبت و تبلیغ، چندین میلیارد تومان دریافت می‌کند.

در تمام پرونده‌هایی که به آنها رسیدگی کردم، کلینیک‌هایی که از این طریق بیمار جذب می‌کنند، با شکایت‌هایی روبه‌رو بوده‌اند. حتی پرونده‌های فوتی نیز از این کلینیک‌های تبلیغاتی داشتیم و اساسا قابل اعتماد نیستند. یاد آن شرکت موبایل می‌افتم که پول مردم را برداشت و ناپدید شد!

آن مجرم هم دقیقا از این روش استفاده می‌کرد و سراغ سلبریتی‌ها رفت. در حوزه پزشکی هم کلینیک‌هایی که برای تبلیغات از چهره‌ها استفاده می‌کنند به نظر من «کوروش کمپانی»‌های حوزه پزشکی هستند. یعنی اگر مردم به آنها مراجعه کنند، آسیب خواهند دید.

به هیچ عنوان این تبلیغات قابل اعتماد نیست.

روزهای اخیر لینک‌هایی با عنوان عکس یادگاری با هوش مصنوعی در پیام‌رسان‌ها دست‌به‌دست می‌شود که در واقع نوعی بدافزار بانکی هستند.» وی افزود: «مجرمان سایبری با ارسال فایل‌هایی که در ظاهر برنامه یا تصویر تولیدشده توسط هوش مصنوعی هستند، بدافزارهایی را روی تلفن همراه کاربران نصب می‌کنند. این بدافزارها پس از اجرا داده‌های شخصی، اطلاعات حساب و موجودی کاربران را سرقت کرده و منجر به برداشت‌های غیرمجاز می‌شوند.»



بایگانی

در این بخش به بازخوانی حوادث قدیمی می‌پردازیم که فقط برخی افراد سن و سال‌دار آنها را به یاد دارند. لازم به ذکر است دلیل قدیمی بودن ادبیات، نثر و نگارش این است که برای همان نسل بسیار جذاب و یادآور خاطرات آن زمان خواهد بود. این هفته اخبار حوادث سال ۱۳۵۴ را با منبع دیده‌بان تاریخ مرور می‌کنیم.

قصه‌ای از عشق و انتقام یک دختر

در میان شکایاتی که روز گذشته به دادسرای تهران شد شکایت یک مرد زن‌دار از دختر همسایه جلب توجه کرد.

این مرد (بهرام) به خبرنگار اطلاعات گفت: کارمند یکی از شرکت‌های خصوصی هستم و درآمد خوبی دارم. دو سال پیش که هنوز مجرد بودم به اتفاق والدینم به یکی از محله‌های شمال تهران نقل مکان کردیم. در همسایگی ما دو دختر سکونت داشتند که هر دو زیبا بودند و چون مجرد بودم با هر دو آشنا شدم.

من که نمی‌توانستم یکی را بر دیگری ترجیح دهم سرانجام با یکی از آنها که ششین نام‌داشت نامزد شدم. بهرام اضافه کرد: نامزدی من و ششین طولی نکشید و خیلی زود با یکدیگر ازدواج کردند. پس از ازدواج من و ششین، ششندم دختر دیگر قسم خورده از من انتقام بگیرد. به این‌گفته‌ها اهمیتی ندادم و به زندگی با ششین ادامه دادم. حدود یک‌سال و نیم از زندگی من و ششین گذشت و دیگر به یاد آن دختر نبودم تا این‌که دو روز پیش او به سوگند خودش عمل کرد و از من انتقام گرفت. بهرام گفت: آن روز مطابق معمول پس از دخداحافظی از ششین به شرکت رفتم و مشغول کار شدم.

نزدیک ظهر بود که زن ناشناسی با تلفن به من خبر داد همسر مرد بیگانه‌ای را به خانه برده و اگر خودم را زودتر برسانم پرده از خیانتش برداشته خواهد شد. به گفته‌هایش توجه نکردم و به‌کار ادامه دادم اما حرف‌هایش مرا نگران کرد طوری‌که خودم را سریع به حوالی منزل رساندم و از مغازه خواربارفروشی، خانه‌ام را زیر نظر گرفتم. چند دقیقه نگذشته بود که همسرم با یک مرد غریبه از خانه خارج شد.

با دیدن این صحنه به شدت ناراحت شدم و خودم را به آنها رساندم و با مرد گلاویز شدم. همسرم سوار یک تاکسی شد و به سرعت از ما دور شد. مرد هم چون قوی‌تر از من بود از جنگم ریخت. مثل دیوانه‌ها تصمیم گرفتم ششین را بکشم. مدت‌ها در خیابان بدون هدف راه می‌رفتم تا این‌که به خانه برگشتم. تلفن خانه زنگ زد. گوشی را که برداشتم ششین بود.

چند بار قطع کردم ولی به‌اصرار ششین ناچار به صحبت با او شدم. ششین پرده از ماجرابی برداشت و گفت آن مرد برادر ناتنی اوست که تازه از زندان آزاد شده. سپس گوشی را به پدرش داد و متوجه اصل ماجرا شدم و فهمیدم چرا همسرم تا آن روز از برادرش حرفی نزده. او یک قاچاقچی مواد مخدر بود و در تمام طول آشنایی و نامزدی و ازدواج‌مان در زندان به سر می‌برد و زنم خجالت می‌کشید در این خصوص به من حرفی نزنند. در همین حین به تلفن زن ناشناس فکر کردم و فهمیدم او همان دختر همسایه است. حالا به دادسرا آمده‌ام تا از او شکایت کنم.

اطلاعات/ آبان ۱۳۴۹

شهرت‌سازی از مسیر خطا

بزهکاران خشونت‌ورز، احتمال رفتارهای تقلیدی را در نوجوانان افزایش می‌دهد؛ پدیده‌ای که در ادبیات علمی «Copycat Behavior» نام‌گرفته است. آیا این خطر در چنین مصاحبه‌ای مورد توجه قرار گرفته بود؟

ل[۱] چرا روایت فردی که بارها به‌دلیل اخلاف در نظم عمومی با قانون روبه‌رو شده، بدون حضور کارشناس اجتماعی، روان‌شناس یا حتی نماینده نیروی انتظامی ارائه شد؟

حذف این نگاه کارشناسی، گفت‌وگو را از سطح «تحلیل آسیب» به سطح «نمایش هیجان» تنزل می‌دهد؛ روندی که نه فقط سودی برای جامعه ندارد، بلکه به بازنمایی جذاب یک سبک زندگی ناهنجار منجر می‌شود.

در شرایطی که خشونت‌های شهری از یک‌سو، به‌عنوان یک آسیب اجتماعی جدی می‌تواند فراگیر شود، نظم و امنیت اجتماعی را مختل کند و بر کیفیت زندگی و سلامت جامعه اثر منفی بگذارد و از سوی دیگر، نوجوانان و جوانان بیش از هر گروه دیگری در معرض تأثیرپذیری از

پیشینه خشونت و رفتارهای ضداجتماعی را به‌عنوان مهمان یک گفت‌وگوی رودررو توجیه می‌کند؟

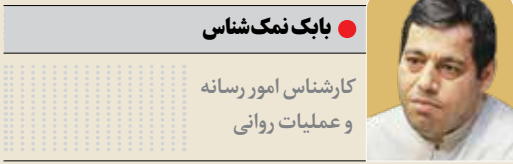
در شرایطی که نوجوانان و جوانان بخش عمده مخاطبان فضای مجازی هستند، انتخاب چنین فردی برای گفت‌وگو، چه پیام پنهانی به مخاطب منتقل می‌کند؟ آیا این تصمیم با مسئولیت اخلاقی و اجتماعی صاحبان تریبون سازگار است؟

ل[۲] هدف برنامه از این مصاحبه چه بوده است؟

اگر هدف آسیب‌شناسی و بازنمایی روند سقوط یک بزهکار بوده، چرا گفت‌وگو در چارچوب علمی، هشدارآمیز و تحلیلی پیش نرفت؟ چرا پاسخ‌ها بیشتر به طنز و نمایش جنجال شباهت داشت تا بازدارندگی اجتماعی؟

ل[۳] آیا تبدیل چهره‌های پرحاشیه به «ستاره‌های گفت‌وگویی» باعث نمی‌شود مرز میان الگوی مثبت و مغرب در ذهن نوجوانان مخدوش شود؟

مطالعات روان‌شناسی اجتماعی نشان می‌دهد که برجسته‌سازی



● بابک نمک‌شناس

کارشناس امور رسانه و عملیات روانی

در روزهایی که جامعه بیش‌از هر زمان دیگری نیازمند الگوهای مثبت، چهره‌های الهام‌بخش و روایت‌های امیدبخش است، انتشار یک مصاحبه با فردی که سابقه حضور در پرونده‌های متعدد خشونت، نزاع خیابانی و درگیری با قانون دارد، پرسش‌های جدی و قابل‌تأملی برمی‌انگیزد. گفت‌وگوی اخیر با هانی کرده - که پس از واکنش‌های گسترده از صفحات رسمی حذف شد - مصداق روشنی از پدیده‌ای است که جامعه‌شناسان رسانه آن را «قهرمان‌سازی معکوس» یا Normalization of Deviance می‌نامند؛ یعنی تبدیل رفتارهای ناهنجار به موضوعی عادی، جذاب و حتی قابل‌همذات‌پنداری.

در چنین شرایطی، طرح چند پرسش ضروری به نظر می‌رسد: پرسش‌هایی که مستقیما خطاب به مجری برنامه مطرح می‌شود:

ل[۱] چه ملاحظه حرفه‌ای یا ارزش رسانه‌ای، انتخاب چهره‌ای با

د و رازمان لو نرود، ه صحبت‌های سه ن، همراه همکاران فچه کردیم و پس از رسه به تن داشت،

وقت بررسی اولیه یی را از دست داده در پزشکی قانونی گردن‌دومن دوباره م. دیگر تمام شهر اده‌اش هم به اداره پس از تمام شدن به مرد جوان هیچ وضع مالی خوبی اما وقتی دریافتند وان را گرفته و فقط